

آن صنف نمی‌بینید که به ذهنشان خطور کند به اینکه هر ماه یک بار صنف خودشان را دور هم جمع کنند و چند ساعت درباره چگونگی تأثیر مانکن‌ها روی فرهنگ برایشان سخن بگویند

رابطه پیوست فرهنگی با ارزیابی تأثیرات اجتماعی

غربی‌ها به واسطه اینکه به شدت اقتصادی می‌اندیشند، به این فکر می‌کنند که چگونه می‌شود از هر دلار درآمد کسب کرد. آن‌ها به فرهنگ ناشی از ایزاری دارند؛ هر جا که قرار باشد طرحی اجرا شود، احتمالاً در محیط یک‌سری فرصت‌های فرهنگی وجود خواهد داشت که می‌شود از محل آن هزینه کار را کاهش داد یا اینکه کیفیت کار را بالا برد و درآمد بیشتری کسب کرد. ممکن است یک‌سری محدودیت‌های فرهنگی وجود داشته باشد که از قبل پیش‌بینی نشده باشند و هزینه‌های کار را بالا ببرد. بنابراین بهتر است وقتی قرار شد کاری را آغاز کنیم، در کنار آن مهندسی که می‌آید و میزان مقاومت زمین را اندازه‌گیری می‌کند، یک صاحب‌نظر در زمینه جامعه‌شناسی هم بیاید و به موازات مطالعات فنی، محیط فرهنگی آنجا را مورد مطالعه قرار دهد. غربی‌ها ۵۰ تا ۶۰ سال

همه افراد به خودشان اجازه می‌دهند که با تجربه‌های شخصی به عنوان یک بچه‌مسلمان در حوزه فرهنگ اظهار نظر کنند. تا وقتی آن‌ها اظهار نظر می‌کنند، سقف مسئله می‌شود همین که یک نمازخانه ساخته شود، یک‌سری پوستر نصب شود و نهایتاً نماز جماعت برگزار شود

رضا(ع) افزایش یابد.

پیوست فرهنگی، نگرانی از سطحی‌نگری

ما در فرهنگ دچار عقب‌افتادگی هستیم. شهردارها برای انجام کار فرهنگی، همان دانش تجربی دوران تحصیل خود را کافی می‌دانند. به این فکر نمی‌کنند که باید از یک دکترای متدین در زمینه تعلیم و تربیت و یک متخصص در زمینه روان‌شناسی و فرهنگ در کنار تجربه شخصی خود بهره ببرند و به این اعتراف کنند که فرهنگ موضوع تخصصی و پیچیده‌ای است. اگر به همین شهردارها گفته شود که در هتل‌ها باید مسایل پزشکی مد نظر قرار بگیرد، چون می‌دانند پزشکی یک علم است، خودشان طبابت نمی‌کنند و از متخصصان این امر استفاده می‌کنند. ما دچار این مشکل هستیم که همه افراد به خودشان اجازه می‌دهند که با تجربه‌های شخصی به عنوان

نیست! در بین خانواده‌های مرفه و در بین مستضعفانی که خانه‌هایی کوچک کوچک ساخته‌اند، مسجد کم داریم. آنجا که بافت مذهبی دارد، از گذشته مسجد وجود داشته است و هر صد متر یک مسجد دیده می‌شود. شهرهای ما مسجد دارند، ولی توزیع آن‌ها منطقی نیست. ما یک گام از این هم جلوتر رفتیم و محله‌های مذهبی را به بهانه نوسازی بافت فرسوده از بین بردیم.

چه خوب است در پارکی که شما به عنوان شهردار می‌سازی یک نمازخانه زیبا طراحی شود تا فضا به‌طور طبیعی، در هنگام غروب، افراد را به نماز جماعت تشویق کند. می‌بینید که پارک خودش امر به معروف می‌کند. یا شما که هتل می‌سازی، نمازخانه را پشت پله‌های هتل نساز. نمازخانه باید هویتی جدی داشته باشد تا مسافرهای هتل به جای اینکه در اتاق‌های خودشان نماز بخوانند، حس کنند که باید نماز را در نمازخانه هتل بخوانند. وقتی به نمازخانه می‌آیند، دیگر مسافرهای آن شهرهای مختلف هستند ببینند و با آن‌ها آشنا شوند. باید به هتل‌دار آموزش‌های لازم داده شود، تا برای نمازگزاران پخش فیلم و اجرای برنامه‌های فرهنگی داشته باشد تا از این طریق معرفت آن‌ها نسبت به امام

عکس از بهناز سیدی

